

# آموزه استكمال رزق با تأكيد بر تحليل حديث «لا تموت نفس حتى تستكمل رزقها»

دکتر علی راد<sup>۱</sup> - عاطفه محمدزاده<sup>۲</sup>

بر اساس مبانی اسلامی، روزی، یکی از مقدراتی است که هر فرد سهم، مشخصی از آن دارد و تا قبل از فرارسیدن مرگ به صورت کامل در اختیار او قرار می‌گیرد. این قاعده در روایت «لا تموت نفس حتى تستكمل رزقها» خودنمایی کرده که زمینه نظریه پردازی پژوهشگران را فراهم نموده است. با این حال، هیچ یک از رویکردهای رایج، تحلیل جامعی از آموزه استكمال رزق و حدیث یادشده ارائه نکرده‌اند. بدین رو پژوهش حاضر با روش تحلیل متن مطابق با اصول و قواعد دانش فقه الحدیث در سه بخش: معاشناسی مفردات، مستندات روایی؛ شامل گونه‌ها، مصادر و سبب صدور روایت و در نهایت، تبیین مؤلفه‌های استكمال رزق به بازشناسی و تقریر این آموزه می‌پردازد. بدین منظور با استناد به آیات و روایات، مفهوم استكمال رزق، گستره و نسبت آن با تقوا و تلاش انسان را مورد بحث قرار می‌دهد و با تشکیل خانواده حدیث، شروط مبنایی دریافت کامل روزی را مطرح می‌کند. در بحث از گستره رزق، با بیان اقسام و امکان قبض و بسط آن، مقید بودن کسب کامل روزی را یادآور می‌شود و در مرحله بعد نشان می‌دهد تقوا و توکل بر خدا، دو عامل کلیدی برای پرهیز از تکاثر طلبی، تلاش افراطی و انحراف در مسیر تکمیل روزی است.

**واژگان کلیدی:** استكمال رزق، تلاش انسان، توکل، روزی مقدر، حدیث «لا تموت نفس حتى تستكمل رزقها».

ali.rad@ut.ac.ir

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

at.mohammadzadeh@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۸.

## طرح مسئله

بر اساس آیات و روایات، هر موجودی از آغاز خلقت در مسیر کمال نفسی خود هدایت می‌شود. این تکامل که برای هر یک از موجودات، معنای ویژه‌ای دارد، وابسته به سنت «ارتزاق» است. آیه ۵۰ سوره طه: ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾. که رب العالمین را به عنوان خالق و هادی معرفی می‌کند، نشان می‌دهد پروردگار علاوه بر اعطای خلقت به هر موجودی، آن را به واسطه قوایی که بدان مجهز شده، به سوی مطلوبش که همان غایت وجود و آخرین درجه کمال اوست، تربیت می‌کند و به نوعی روزی می‌دهد. اما بدون تردید روزی انسان محدود به این دنیا نیست، بلکه ارتزاق مادی و معنوی در آخرت نیز ادامه می‌یابد.

موضوع مورد بحث در این نوشتار به ارتباط رزق الهی با تکامل نفس برمی‌گردد که در روایت «لا تموت نفس حتى تستكمل رزقها» بیان شده و دستمایه نظریه پردازی‌هایی در حوزه اخلاق و عرفان شده است. با تأمل در این حدیث و مباحث مربوط به آن، سؤال‌هایی به ذهن می‌رسد که اساسی‌ترین آن‌ها مفهوم استکمال رزق، میزان و گستره روزی و نحوه برخورداری از آن تا زمان مرگ است. طبیعی است برای ارائه نظریه جدید درباره محتوای این حدیث لازم است رویکرد شارحان در تفسیر روایت بررسی و ارزیابی گردد.

پژوهش حاضر پس از تتبعات لازم در این باره، بدان جهت که منابع اسلامی و به‌ویژه جوامع روایی به آموزه استکمال رزق توجه نشان داده‌اند، قصد دارد به بازشناسی مستندات این آموزه و تقریر آن بپردازد. از این رو، نخست، مفهوم‌شناسی مفردات را در دستور کار خود قرار می‌دهد. سپس گونه‌ها و مصادر روایی احادیث مربوط به بحث استکمال رزق را گرد آورده، سبب صدور روایت منتخب را می‌کاود. آن‌گاه با تفحص در آیات قرآن، تشکیل خانواده حدیث و با تکیه بر قواعد دانش فقه الحدیث در تحلیل متن به عنوان روش معیار<sup>۱</sup>، ضمن ارزیابی رویکردهای رایج در تبیین آموزه یادشده، مؤلفه‌های آن

۱- برای آشنایی با فرایند و قواعد این روش، رک: عبدالهادی سعودی، روش فهم حدیث، ص ۵۸-۲۰۸.

را به بحث می‌گذارد. آنچه گفته شد روش این پژوهش و جنبه نوآوری آن را نسبت به پژوهش‌های پیشین آشکار می‌کند.

جستجو در پیشینه این تحقیق نیز نشان می‌دهد با اینکه پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع رزق انجام شده است، مقاله یا کتاب نشریافته‌ای با محوریت مسائل نوشتار حاضر وجود ندارد.<sup>۱</sup>

اینک با توجه به نوع منابع مورد استناد در بیان آموزه استکمال رزق، بجاست گزارشی از مفاهیم واژگان کلیدی و مستندات روایی این آموزه ارائه گردد.

### ۱- معاشناسی مفردات

بخشی از پژوهش حاضر مربوط به مفهوم‌شناسی «آموزه دینی» و معاشناسی واژه‌های بنیادی روایت؛ یعنی واژه‌های «نفس»، «رزق» و «استکمال» است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

واژه «آموزه» در لغت معادل «doctrine» و به معنای عقیده، نظر، آیین عقیدتی و اصول یک فلسفه یا هر نظام فکری است. به عبارت دیگر، این کلمه به اصول اساسی‌ای

---

۱- با این حال از میان پژوهش‌های مرتبط با موضوع رزق و مسائل پیرامون آن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«بررسی مفهوم رزق از دیدگاه قرآن و حدیث»، عنوان پایان‌نامه‌ای است که محسن شریفاتی ارائه کرده است. این تحقیق، به اقسام رزق، دلایل ازدیاد یا نقصان رزق و مباحثی از این دست پرداخته است. محمد قمی نیز پایان‌نامه مقطع ارشد خود را با عنوان «تبیین فلسفی رزق و رابطه آن با وصول انسان به سعادت حقیقی» تهیه کرده است. از مقاله‌ها هم می‌توان به «جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق»، نگاشته استاد سیدمحمدباقر حجتی و علی رضایی، مقاله «حکمت گونه‌گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن»، از استاد محمدعلی مهدوی راد و مهدی عبداللهی‌پور، اشاره کرد. اما مهم آن است که علی‌رغم فراوانی ظاهری این نوع پژوهش‌ها و با وجود تکیه بسیاری از آن‌ها بر منابع روایی، هیچ‌یک، با رویکرد فقه الحدیثی و با هدف تحلیل روایت مورد بحث، به تبیین مسائل مربوط به آن نپرداخته و مباحث مرتبط با رزق را به صورت کلی و بیشتر تکراری مطرح کرده‌اند.

گفته می‌شود که فرد یا گروهی، کردار یا اعضای خود را بر محور آن تنظیم می‌کند (نوربخش، ۱۳۸۰: ۷۱ و ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱/۲۱۹). مراد از آموزه در نوشتار حاضر، همین معناست و بر مجموعه‌ای از معارف دینی که بخشی از بنیان‌های فکری افراد را در مقوله رزق تشکیل می‌دهد، تأکید دارد.

کتاب‌های معتبر اهل لغت، همسوبا بسیاری از آیات قرآن، بیان‌گر این حقیقت است که واژه «نفس» بیشتر در معنای شخص و روح به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۲۹۱؛ راغب، ۱۴۱۲: ۸۱۸). سیاق روایت نیز این دیدگاه را تأیید و نفس را همان روحی معنا می‌کند که هستی و حیات جسد به آن وابسته است.

«رزق» نیز که از نگاه لغویان به معانی «شکر» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۳۸۸)، چیزی که به معده می‌رسد و با آن تغذیه می‌شود و بخشش مداوم (راغب، ۱۴۱۲: ۳۵۱) است، در این حدیث، به معنای چیزی آمده که به نیاز فرد در طول حیات مربوط است (جیلانی، ۱۴۲۹: ۲/۲۷۶ و مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴/۱۱۵). این مفهوم در مورد انسان، به عطا‌ی دائمی؛ دنیوی یا اخروی، تکوینی یا تشریحی، ارادی یا غیر ارادی و آنچه بهره‌مندی از آن حلال باشد و دیگری نتواند مانع آن گردد، گفته می‌شود. با این توضیح، نه تنها خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها، بلکه بهره‌های معنوی نیز رزق به شمار می‌آیند (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۲۶۷؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۲/۲۱۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۱۶۷-۱۶۹؛ جیلانی، ۱۴۲۹: ۲/۲۷۷؛ محمدی گیلانی، ۱۴۲۱: ۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۱۳۸ و حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۵۷۰).

اما برای واژه «استکمال»، شماری از کتاب‌های لغت، معنای مستقلی ذکر کرده‌اند و بیشتر آن‌ها به مفهوم دیگر اشتقاق‌های «کمل» پرداخته‌اند. با این حال، در *لسان‌العرب*، یک جا مترادف با اکمله و کمله و به معنای اتمّه و در جایی دیگر به معنای استتّمّه آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۵۹۸ و ۵۹۹). در *الصحاح و مجمع‌البحرین* نیز معنای اخیر ذکر شده است (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۸۰۸ و طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۴۶۶ و ۴۶۷). در *تاج العروس* هم، ذیل واژه «روح»، به روایت مورد بحث اشاره شده و در پاورقی این کتاب چنین آمده که در *اللسان و التهذیب*، «تستکمل» معادل «تستوفی» معنا شده است (زبیدی،

از شارحان حدیث نیز، ملاحظیل قزوینی در شرح یکی از روایات کافی و در بیان معنای واژه استکمال چنین گفته است: «استکمال، اتمام چیزی به ضمّ تتمّه آن به عمده اجزای آن است.» برای اساس، وی عبارت «فَلَمَّا... وَاسْتُكْمِلْتَ أَيَّامَهُ...» را به صورت «وقتی روزهای عمر او کامل شد،...» ترجمه کرده است (قزوینی، ۱۳۷۸: ۱/۱۱۷).

در جمع می‌توان گفت از آنجا که ریشه واژه «استکمال» از «کمل» بوده و با کمال هر چیزی در ارتباط است، معنای این واژه در روایت مورد نظر همان به کمال رساندن، کامل و تمام کردن (روزی) است.

## ۲- مستندات روایی

از آنجا که رویکرد این پژوهش در اثبات و تبیین آموزه استکمال رزق، حدیث محور است، بررسی انواع گونه‌های روایت و تشخیص متن معیار، تعیین مصادر روایی و تحلیل سبب صدور این حدیث را در اولویت قرار داده، به بحث می‌گذارد.

### ۲-۱- گونه‌های روایت

متن کامل روایات مربوط به بحث استکمال رزق در کتاب اصول کافی در دو باب «الطَّاعَةِ وَالتَّقْوَى» و «الْإِجْمَالِ فِي الطَّلَبِ» با اسنادی متفاوت نقل شده است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۱۸۷ و ۱۸۸، ح ۱۶۲۱/۲؛ ۵۴۶/۹ و ۵۴۷، ح ۸۴۰۰/۱؛ ۵۴۸/۹، ح ۸۴۰۲/۳ و ۵۵۴/۹ و ۵۵۵، ح ۸۴۱۰/۱۱).

این روایات، با وجود اشتراک زیاد در متن، در چند مورد با هم اختلاف دارند. بخشی از این ناهمسانی، به تفاوت موجود در متن عبارت‌های «لَا تَمُوتُ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا.»، «لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَوْفِيَ رِزْقَهَا.»، «وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ اسْتِبْطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِشَيْءٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ.» و «وَلَا يَحْمِلُ أَحَدَكُمْ اسْتِبْطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ.» برمی‌گردد. با توجه به این افتراق ضروری است از میان روایات گردآوری شده، یکی را

معیار قرار دهیم و پژوهش را بر مبنای آن به انجام رسانیم.

منظور از متن معیار در این پژوهش، تلاشی است اجتهادی برای به دست آوردن نزدیک‌ترین متن صادره از معصوم علیه السلام. شرط‌های انتخاب آن هم عبارت است از: نقل متن روایت در کهن‌ترین مصادر روایی و اختصاص پایین‌ترین آمار متغیر متنی به این روایت.

پس از بررسی همه روایاتی که در بحث استکمال رزق با مضمون و عبارت‌های مشابه نقل شده و تعیین نقاط اشتراک، افتراق و فراوانی کاربرد عبارت‌ها در آن‌ها، این نتیجه به دست آمد که جمله‌های «لَا تَمُوتُ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا.» و «لَا يَحْمِلَنَّكُمْ اسْتِبْطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِشَيْءٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ.» بیش از موارد دیگر در متن روایات تکرار شده‌اند. نقل روایت زیر در کهن‌ترین مصادر روایی نیز، عامل دیگری در انتخاب و جدایی آن از دیگر روایات است:

عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ: «أَلَا إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَا تَمُوتُ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا، فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ، وَ لَا يَحْمِلَنَّكُمْ اسْتِبْطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِشَيْءٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ خَلْقِهِ حَلَالًا، وَ لَمْ يَقْسِمَهَا حَرَامًا، فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ صَبَرَ، أَتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ مِنْ حِلِّهِ، وَ مَنْ هَتَكَ حِجَابَ السِّرِّ وَ عَجَلَ، فَأَخَذَهُ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلَالِ، وَ حُوسِبَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۶/۹ و ۵۴۷، ح ۸۴۰۰/۱).

ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «آگاه باشید روح الامین در قلب من دمید که: هیچ کس نمی‌میرد مگر آنکه روزی اش را کامل دریافت می‌دارد، پس تقوای الهی پیشه کنید و کمتر دنبال طلب دنیا باشید. اگر روزیتان به تأخیر افتاد، مبادا از طریق معصیت آن را بجوید. خداوند، روزی حلال را بین مردم تقسیم نمود، ولی حرامی را تقسیم نکرد. کسی که صبر کند و تقوا را مراعات نماید، روزی حلال خدا به او می‌رسد و کسی که با پرده‌داری و حرص از غیر طریق حلال آن را دریافت کرد، در دنیا از روزی حلالش به همان مقدار کم به او خواهد رسید و در آخرت نیز نسبت به آن

به محاکمه کشیده خواهد شد.»

## ۲-۲- مصادرو روایت

از دیگر مصادرو روایی شیعه به جز کافی کلینی، می توان از *التمحیص* (منسوب به) اسکافی، ۱۴۰۴: ۱۰۰/۵۲) و *تهذیب الأحکام* نام برد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۱/۶). متن مشابه روایت معیار در دو اصل «عاصم بن حمید الحنط» و «علاء بن رزین» که نسبت به کافی قدمت بیشتری دارند، هم گزارش شده است (عده‌ای از علما، ۱۳۶۳: ص ۲۳ و ۱۵۳).<sup>۱</sup> بنابراین با توجه به وجود روایت یادشده در کتب اربعه شیعه که نزد عالمان امامیه جایگاه خوبی دارند و صحت سندش، می توان اعتبار آن را تأیید نمود. حضور این روایت در منابع اصلی حدیث شیعه، خود، نشانه اعتماد ویژه محدثان امامیه به آن بوده است.

## ۲-۳- سبب صدور روایت

از میان منابع مورد مطالعه در این پژوهش، واقدی در *المغازی*، زمینه صدور این روایت را آماده سازی سپاه مسلمان در جنگ احد بیان نموده است. برای این اساس، حدیث مورد نظر بخشی از خطبه رسول خدا ﷺ بوده و قبل از برخورد جدی با سپاه دشمن و پیش از جمع آوری غنائم صادر شده است (واقدی، ۱۳۶۱: ۲۲۱-۲۲۳). مجلسی هم، در کتاب *بحار الأنوار* این قول را نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۵/۲۰ و ۱۲۶). با این حال، در جای دیگری از همین کتاب سبب صدور حدیث مطابق با قول فردی ناشناس، تعجیل صحابه در جمع غنائم در یکی از جنگ‌ها ذکر شده است

---

۱- از میان مصادرو روایی اهل سنت نیز، ابن ماجه در سنن خود روایتی شبیه با این حدیث از جابر نقل کرده است. (ابن ماجه، ۱۴۲۴: ۴۹۸، ح ۲۱۴۴). این حدیث که به لحاظ متن با شماری از احادیث شیعه برابری می کند (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۸/۹، ح ۸۴۰۲/۳)، با سندی متفاوت بدین شرح نقل شده است: حدثنا محمد بن المصنفی الحمصی ثنا الولید بن مسلم عن ابن جریر عن ابی الزبیر عن الجابر بن عبد الله قال: قال رسول الله ﷺ: «.. ایها الناس؛ اتقوا الله و اجملوا فی الظلِّبِ فإن نفساً لن تموت حتی تستوفی رزقها وإن أبطأ عنها فاتقوا الله و اجملوا فی الظلِّبِ خذوا ما حلَّ ودعوا ما حرّم.»

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۷۴). بدین ترتیب، اقوال، از جهت زمان صدور روایت، اندکی با یکدیگر تفاوت دارند.

تنها روایاتی که شاید بتوان بین آن و قول اخیر اندک پیوندی برقرار کرد، مربوط به اقوالی است که طبرسی به عنوان شأن نزول آیات ۵۸ و ۵۹ سوره توبه: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ\* وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾، نقل کرده است. مضمون این روایات، مربوط به اعتراض فرد یا افرادی از شرکت کنندگان در جنگ حنین، هوازن یا غیر آن به رسول خدا ﷺ درباره تقسیم غنایم بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۶۲ و ۶۳). یکی از مفسران معاصرهم با تکیه بر حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، نشان داده که پذیرش حکم الهی و موافقت با تقسیم عادلانه پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از امید داشتن به فضل خدا و باورمندی به توسعه رزق از جانب پروردگار حکایت می‌کند. (ثقفی، ۱۳۹۸: ۲/۵۹۲).

به نظر می‌رسد از یک جهت بتوان کلام این مفسر را به بحث سبب صدور ربط داد؛ بدین معنا که شاید پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از جنگ یا در برخورد با افراد معترض پس از جنگ، یادآوری فرموده روزی مقدر تا زمانی که انسان در قید حیات است به او خواهد رسید. با این بیان، حضرت تأکید داشته که لازمه دریافت رزق، تلاش افراطی و حرص زدن در این مورد نیست، بلکه بخشی از رزق، جزء مقدرات انسان است و با عنایت خداوند به دست می‌آید. اما باز هم این اشکال مطرح می‌شود که چرا در سبب صدور حدیث، از جمع‌آوری شتاب‌زده غنایم به وسیله اصحاب سخن رفته، در حالی که در شأن نزول آیه، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خود مشغول تقسیم غنایم بوده و برخی از افراد حریص به شیوه کار ایشان اعتراض نموده‌اند.

با این همه، مسلم است بر اساس روایات مورد بحث و سیره رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ایشان برای پیشگیری از حرص جنگجویان مسلمان یا در سفارش به افراد طمع‌کار در کسب روزی، ضمن بیان حقایقی از سنن الهی، آن‌ها را به مسیر صحیح هدایت می‌فرموده



است. به دیگر سخن، چنانچه سبب صدور یادشده هم قطعی نباشد، وقوع ماجراهایی شبیه به آن در تاریخ صدر اسلام بسیار محتمل است. از این رو به نظر می‌رسد تعجیل صحابه در جمع غنائم در یکی از جنگ‌ها یا پیش‌بینی چنین شرایطی در آستانه جنگ احد، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از این وقایع به شمار آید.

### ۳- تبیین آموزه استكمال رزق

به منظور تبیین آموزه مورد بحث، در ادامه، شاخص‌ترین مؤلفه‌های آن به تفصیل خواهد آمد:

#### ۳-۱- شروط مبنایی استكمال رزق

عنوان فوق، اساسی‌ترین مؤلفه آموزه استكمال رزق است. آیات قرآن (حج/۵۸، مؤمنون/۷۲، ذاریات/۵۸ و...) و روایات معصومان علیهم‌السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۹/۹، ح ۸۴۰۴/۵ و...)، دلالت بر این امر دارند که رزاقیت پروردگار از شروط مهم بهره‌مندی انسان از روزی است. این صفت الهی، لازمه تکمیل رزق هم می‌باشد، چرا که اگر بر فرض روزی‌رسانی خداوند قطع شود، امکان دریافت کامل رزق از راه دیگر وجود ندارد. آیه ۶ سوره هود: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ که خداوند را متولی رزق بندگان معرفی نموده است، از این جهت با حدیث مورد بحث همخوانی دارد. معانی نزدیک «دابه»<sup>۱</sup>، «نفس» و تأکید بر رزاقیت خدا در هر دو متن، این مطلب را به وضوح نشان می‌دهد. روزی دادن به موجودات همچون ایجاد آنان، حقی است برای خلق که

---

۱ - کلمه «دابه»، به معنای هر موجودی است که حرکتی هر چند اندک داشته باشد، و بیشتر برای نوع خاصی از جنبندگان به کار می‌رود. آیه فوق نیز به حالت عمومی آن اشاره دارد و بدین معناست که رزق کل جنبنده‌های موجود در زمین بر عهده خدای تعالی است و هرگز بدون روزی نمی‌مانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۸/۱۰). بدین رو حتی اگر واژه «نفس» را مخصوص انسان بدانیم و آن را روحی معنا کنیم که حیات آدمی بدان وابسته است، آیه یادشده معادل مناسبی برای حدیث مورد بحث است.

خداوند بر خود واجب نموده است . عبارت ﴿عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾، سوگند به حقانیت این موضوع در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره ذاریات: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ \* فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾، مضمون آیه ۲۱ سوره ملک: ﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَزُفُّكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ...﴾ و آیه ۱۷ سوره عنکبوت: ﴿فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ﴾. نیز شواهدی دیگر بر این امرند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۸/۱۰ و ۱۴۹).

همچنین کم نیستند اقوالی که در این باره از معصومان علیهم السلام صادر شده است و در منابع روایی به چشم می خورند.<sup>۱</sup> پیوند ناگسستنی رزاقیت و اراده پروردگار، گواه آن است که نه تنها اصل نزول رزق، بلکه تکمیل آن هم در درجه اول، مشروط به مشیت الهی است. تقسیم ارزاق در بین موجودات و تأکید بردریافت حتمی برخی از انواع روزی در بعضی از روایات (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۳۸ و ۲۳۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۹۳ و ۲۹۴، ح ۱)، گواه آن است که جریان اعطای روزی، براساس یکی از سنن الهی و به مقتضای حکمت پروردگار اجرا می شود و از مصادیق آیه شریفه: ﴿... وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾. (احزاب/۶۲) و امثال آن (فتح/۲۳ و فاطر/۴۳) به شمار می آید (عسکری، ۱۳۸۶: ۴۸۴/۲).

این اصل را می توان به نوعی از آیه ۲۱ سوره حجر ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾، نیز برداشت کرد. مطابق با این آیه، مشیت خداوند از عالم بالا در تکون رزق در زمین کاملاً دخالت دارد (قرشی، ۱۳۷۷: ۴/۴۰۶). خداوند به منظور تحقق این امر، زمین را رام بشر قرار می دهد تا انسان بتواند در ارزاق متنوعی که برای او مقدر شده

۱ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «لَيْسَ مِنْ نَفْسٍ إِلَّا وَقَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَهَا رِزْقَهَا حَلَالًا يَأْتِيهَا فِي عَافِيَةٍ...» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۳۹، ح ۱۱۸).

عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «لَوْ كَانَ الْعَبْدُ فِي حَجْرٍ لَأَتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ...» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۸/۹ و ۵۴۹، ح ۴/۸۴۰۳).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ، وَخَلَقَ مَعَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ حَلَالًا طَيِّبًا...» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۳۹/۱، ح ۱۱۶).

است، تصرف کند (ملک/ ۱۵). این گونه آیات به بشر می آموزد که در کنار باورمندی به رزاقیت پروردگار و تقدیر الهی، می توان با تلاش منطقی تا لحظه مرگ از روزی تضمین شده برخوردار شد. این قاعده مسلم همان روح حاکم بر حدیث است.

باید به یاد داشت یکی دیگر از شرایط استکمال رزق، استفاده صحیح از اختیاری است که خداوند به انسان مرحمت فرموده است. از این رو چون دریافت بخشی از روزی به اراده آدمی وابسته است، امکان دارد بنا به دلایلی خود را از آن محروم نماید. این احتمال هم وجود دارد که نداشتن اعتقاد به مشیت و مصلحت الهی در روزی رسانی، عدول از اصول اخلاقی، تکاثر طلبی و حرص زیاد در کسب رزق را به همراه آورد. این در حالی است که رسول خدا ﷺ در یکی از وصایای خود فرموده است:

«يَا عَلِيُّ؛ إِنَّ الْيَقِينَ أَنْ لَا تَرْضَى أَحَدًا بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا تَحْمَدَ أَحَدًا عَلَى مَا آتَاكَ اللَّهُ وَلَا تَذُمَّ أَحَدًا عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكَ اللَّهُ فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَجْرُهُ حِرْصٌ حَرِيصٍ وَلَا يَضُرُّهُ كَرَاهِيَةٌ كَارِهِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۶/۱ و ۱۷).

امیرالمؤمنین عليه السلام نیز ناشکیبایی برای افزایش روزی مقدر را بی ثمر دانسته، می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَحْرِمُ نَفْسَهُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ، وَلَا يُزَادُ عَلَى مَا قُدِّرَ لَهُ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۶۰ و ۱۶۱).

رها شدن از این نوع فزون خواهی، بدون توکل و تکیه بر خداوند میسر نیست و این مهم با شناخت صفات پروردگار؛ اعم از رزاقیت، مشیت و علم جامع حضرت حق از نیاز تمام موجودات تا آخرین لحظه حیات حاصل می شود. با تأمل در حدیث مورد نظر نیز می توان به شروط مبنایی استکمال رزق پی برد.

### ۲-۳- گستره استکمال رزق

در معناشناسی مفردات گفتیم که رزق ممکن است غیر ارادی یا ارادی باشد. منظور از این اقسام، همان رزق طالب و مطلوب است که در روایات معصومان عليهم السلام ذکر شده است. به عنوان مثال، شیخ مفید در *المقنعه* از امام صادق عليه السلام چنین نقل کرده است: «الرزق مقسوم علی ضربین: أحدهما واصل إلى صاحبه وإن لم يطلبه، والآخر معلق

بطلبه فالذی قَسَمَ للعبد علی کلِّ حال آتیه و إن لم یسع له و الذی قَسَمَ له بالسعی  
فینبغی أن یلتمسه من وجوهه و هو ما أحلَّه الله دون غیره، فإن طلبه من جهة الحرام فوجده  
حسب علیه برزقه و حوسب به» (مفید، ۱۴۱۳: ۵۸۶ و ۵۸۷).

این حدیث و انواع مشابه آن در بسیاری از منابع روایی و شرح الحدیثی هم آمده است  
(ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۹۳ و ۲۹۴، ح ۱؛ حرّانی، ۱۴۰۴: ۸۲؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۵۳؛  
مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱/۲۱۱-۲۱۳؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۴۷/۱۷، ح ۲۱۹۴۵/۸؛ مجلسی،  
۱۴۰۳: ۲۸/۱۰۰، ح ۴۴؛ شبّر، ۱۴۲۴: ۵۴۵ و قائینی، ۱۴۱۸: ۳/۳۸۵، ح ۳۱۴۰).

براین اساس، رزق طالب یا غیرارادی، رزقی است که به سراغمان می آید، همواره ما را  
تعقیب می کند و حتی اگر از آن فرار کنیم، ما را رها نمی سازد. این نوع رزق، ریشه در  
قضای الهی دارد و هیچ گونه تغییر و تحوّل در آن صورت نمی گیرد. این رزق مقسوم،  
رزقی ثابت می باشد و ثمره تلاش افراطی در کسب آن، پیشرفت در مسیر حرام است. اما  
رزق مطلوب یا ارادی که به سراغش می رویم، رزقی است که برای طالب آن مقدر شده  
است. پس اگر آن را طلب نماییم و شرایط لازم برای کسب آن را فراهم کنیم، چنین رزقی  
را به دست می آوریم (حلی، ۱۴۰۷: ۸۳ و هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۲/۱۳۹). نوع اخیر رزقی  
است که در صورت قابلیت انسان، امکان دریافت کامل آن در زمان حیات وجود دارد.  
این همان معنای روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمود: «هیچ کس نمی میرد تا آنکه رزقش  
کامل شود».

آنچه در تکمله این بخش می توان ذکر کرد، گفتار مازندرانی؛ یکی از شارحان حدیث  
است:

«موت، به معنی مفارقت روح از بدن و کوتاه شدن دست آن از تصرف در بدن به امر  
خداوند متعال است و «حتی تستکمل رزقها»، به معنای دریافت روزی مقدر به نحو  
کامل در این دنیا برای حفظ بقاست و تا زمانی که نفس به بدن متعلق است، روزی  
دریافت می کند، پس محال است که تعلقی باقی بماند و روزی انسان قطع گردد»  
(مازندرانی، ۱۳۸۸: ۲۲۵/۸).

این سخن نشان می‌دهد روزی یکی از مقدراتی است که هر فرد سهم مشخصی از آن دارد و تا قبل از فرارسیدن مرگ به حد اتم و اکمل در اختیار او قرار می‌گیرد.

چنانچه گذشت، با توجه به قرائن درون‌متنی هم می‌توان به این نتیجه رسید و ارزیابی مثبتی از این دیدگاه ارائه نمود. مؤید دیگر، روایاتی است که با تشکیل خانواده حدیث از متون روایی شیعه و سنی قابل استخراج است و نمونه‌ای از آن در زیر می‌آید:

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَحَدَكُمْ لَنْ يَمُوتَ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ رِزْقَهُ فَلَا تَسْتَبْطِئُوا الرِّزْقَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ خُذُوا مَا حَلَّ وَ اتْرِكُوا مَا حَرَّمَ» (ورام، ۱۴۱۰: ۳۳/۲).<sup>۱</sup>

نکته دیگر در بحث شمول رزق، امکان قبض و بسط آن در موقعیت‌های گوناگون است. این مطلب از آیات: ﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سبأ/۳۶ و ۳۹) و ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ (اسراء/۳۰) قابل برداشت است. مطابق با سیاق آیه اخیر که در مقام تعلیل آیه قبل است و از افراط و تفریط در انفاق، نهی می‌کند، خداوند با آگاهی از حال بندگان و مصلحت‌اندیشی خود، رزق موجودات را قبض و بسط می‌دهد و با این دأب، سنت خود را به مرحله اجرا می‌گذارد. این نوع آیات بارها برای امر تأکید دارد که نه تنها اصل رزق بلکه بسط و قبض آن نیز مربوط به خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۴/۱۳ و ۳۸۴/۱۶). مستند دیگر این بحث، احادیث مربوط به وسعت یا تنگی رزق است که حجم زیادی از روایات مربوط به این موضوع را شامل می‌شود (برقی، ۱۳۷۱: ۱۱۶/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۳، ح ۱، ۴۱، ح ۱ و ۴۳۰، ح ۱). اما به همان اندازه که امکان فزونی روزی انسان وجود دارد، کاستی رزق هم در شرایطی بروز می‌کند. حالت اخیر زمانی رخ می‌دهد که به دلایلی امکان بهره‌مندی فرد از روزی سلب شود. با توجه به اقسام روزی، این دو حالت در مورد رزقی که در حدیث آمده و دریافت آن تا پایان عمر تضمین شده است، نیز

۱ - برای ملاحظه برخی روایات دیگر، رک: ابن بابویه، محمد بن علی، *أمالی*، ۱۳۷۶: ۲۹۳ و ۲۹۴، ح ۱؛ نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، ۱۴۱۱: ۳۲۵/۵، ح ۲۰۹۳؛ سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الدر المنثور*، ۱۴۰۴: ۳۲۹/۵.

وجود دارد. این مسئله با توجه به قانون‌ها و سنت‌های الهی قابل توجیه است که بررسی و تحلیل آن به تحقیق دیگری موکول می‌گردد.

به هر رو با پذیرش مشیت الهی، اعتقاد به حکمت و مصلحت‌اندیشی خداوند و تأثیر آن در قبض و بسط روزی، می‌توان با امید بیشتری همراه با نظام طبیعی عالم گام برداشت و به گونه‌ای شایسته به کسب فیوضات الهی و روزی‌های مادی و معنوی پرداخت و در پرتو اطاعت از رازق حقیقی، به روزی‌های موعود وی در جهان دیگر نیز دست یافت.

ناگفته نماند منابع بسیار حاکی از آن است که اشاعره معتقدند هرچه انسان به دست آورد؛ از راه حرام و یا حلال، در گستره روزی او قرار دارد (رازی، ۱۴۲۰: ۱۷/۳۱۸ و ۳۱۹). اما بر اساس آیات قرآن (بقره/۳ و ۲۵۴ و یونس/۵۹)، ادعیه منقول از ائمه علیهم‌السلام، احادیث و برهان‌های عقلی، رزق، تنها به چیزی گفته می‌شود که انسان از راه حلال به دست آورد (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۹۳ و ۲۹۴، ح؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۱۲۲؛ جیلانی، ۱۴۲۹: ۲/۲۷۶ و ۲۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۱۵۰ و ۱۵۱). بنابراین، آنچه در دامنه وسیع رزق الهی قابل تعریف است و مشمول بحث استکمال رزق می‌شود، ربطی به موارد حرام که از مسیر نامشروع به دست می‌آید، ندارد. جمله‌های پایانی روایت مورد بحث نیز بر همین امر تأکید دارد:

«... فَإِنَّ اللَّهَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ خَلْقِهِ حَلَالًا، وَلَمْ يَقْسِمْهَا حَرَامًا، فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَصَبَرَ، آتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ مِنْ حِلِّهِ، وَمَنْ هَتَكَ حِجَابَ السِّتْرِ وَعَجَلَ، فَأَخَذَهُ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلَالِ، وَحُوسِبَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

### ۳-۳- نسبت استکمال رزق با تقوا و تلاش انسان

از دیگر مؤلفه‌های آموزه استکمال رزق، ارتباط تقوای الهی با گستره روزی و حد طلب آن است. لازمه ورود به این بحث، کشف رابطه دو جمله «أجملوا فی الطلب» و «اتقوا الله» در روایت است که با احتمال‌های زیر همراه می‌باشد:

نخست؛ رعایت تقوا در طلب رزق، مستلزم پرهیز از حرص و تقلای بیش از اندازه

است؛ بدین معنا که باید از تلاش افراطی و راه‌های انحرافی در طلب روزی پرهیز کرد. دوم؛ در صورت داشتن تقوای الهی، نیاز به تلاش بیش از اندازه نیست، زیرا اطاعت از اوامر پروردگار، خود، زمینه‌ساز رسیدن به روزی‌ها و در طی این مسیر راه‌گشا است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۹/۸ و فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۵۲/۱۷).

بهترین مؤید این دو احتمال، آیات قرآن و کلام معصومان علیهم‌السلام است. در تأیید احتمال اول می‌توان به روایتی از امام رضا علیه‌السلام تمسک جست که می‌فرماید:

«وَأَتَى فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَأَجْمَلُ فِي الطَّلَبِ وَاخْفِضْ فِي الْمُكْتَسَبِ وَاعْلَمْ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ: فَرِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ. فَأَمَّا الَّذِي تَطْلُبُهُ، فَاطْلُبْهُ مِنْ حَلَالٍ فَإِنَّ أَكْلَهُ حَلَالٌ إِنْ طَلَبْتَهُ مِنْ وَجْهِهِ وَإِلَّا أَكَلْتَهُ حَرَامًا وَهُوَ رِزْقُكَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَكْلِهِ...» (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۲۵۱).

امام علی علیه‌السلام نیز که در روایت زیر، تقدیر الهی در قبض و بسط روزی را یکی از راه‌های آزمایش‌بندگان می‌داند، به نوعی بر اهمیت تقوای پیشگی تأکید می‌فرماید:

«... قَدْرُ الْأَرْزَاقِ فَكثْرُهَا وَقَلِيلُهَا، وَقَسْمُهَا عَلَى الضِّيقِ وَالسَّعَةِ فَعَدَلُ فِيهَا لِيَبْتَلِيَ مِنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا، وَلِيخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَالصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَفَقِيرِهَا» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱/۷).

از سوی دیگر، با توجه به پیوند تقوا و توکل در آیات ۲ و ۳ سوره طلاق: ﴿... مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغُلَامِ أَمْرِهِ قَدَّ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا \*﴾. به نظر می‌رسد یکی از عوامل محرک در رعایت تقوا، اعتماد و اتکا به پروردگار است. این اطمینان در روایت مورد بحث با موضوع رزاقیت او در ارتباط است، چرا که انسان متوکل، به دلیل باورمندی به این صفت الهی، در طلب روزی، طمع نمی‌ورزد و به سبب بی‌تقوایی در مسیر نادرست قدم نمی‌گذارد. او به خوبی می‌داند که در صورت اطاعت اوامر الهی، پشتکار و اطمینان به حمایت حضرت حق، مسیر بهره‌مندی او از رزق الهی هموار خواهد بود و تا زمان حیات امکان دریافت کامل روزی را خواهد داشت.

چنین فردی با درک کلام پیامبر ﷺ که فرمود: «لو توکلتم علی الله لحق التوکل لرزقکم»  
 كما یرزق الطیر تغدو و خماسا و تروح بطانا» (وژام، ۱۴۱۰: ۲۲۲/۱؛ ابن ماجه، ۱۴۲۴: ۴۹۸،  
 ح ۴۱۴۶ و ترمذی، بی تا: ۴/۴۹۵، ح ۲۳۴۴)، معتقد است لازمه دریافت کامل روزی،  
 توکل به مسبب اصلی آن؛ یعنی پروردگار است. همراهی اسباب ظاهری و توکل به خدا در  
 سیاق آیات ۱۲ تا ۱۵ سوره ملک: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ\* وَ  
 أَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ\* أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ  
 «فَأْمْسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ التُّشُورُ». نیز یادآور این موضوع است (ر.ک:  
 ملاحویش، ۱۳۸۲: ۳/۹۴). این نکته همان احتمال دوم است که شارحان حدیث نیز  
 بدان پرداخته‌اند.

مسئله مهم دیگر، تأثیر تلاش انسان در کسب کامل روزی است. گفته شد که دریافت  
 رزق مقدر، نیازی به حرص و تلاش غیرمعمول ندارد. بنابراین برای بهره‌مندی از رزق  
 مقسوم، همان کوشش مختصر و انجام وظیفه‌ای که خدا امر فرموده کافی است. اگر کسی  
 به لحاظ ناچیز شمردن روزی و یا از روی زهد، نسبت به دریافت رزق الهی بی‌میل باشد و  
 یا به سبب حسد بخواهد مانع رسیدن روزی به شخص دیگری شود، نمی‌تواند آن را  
 بازگرداند. مؤید این گفتار روایتی از امام علی علیه السلام است که می‌فرماید: «إِنَّ أَرْزَاقَكُمْ تَطْلُبُكُمْ  
 كَمَا تَطْلُبُكُمْ آجَالُكُمْ فَلَنْ تَفُوتُوا الْأَرْزَاقَ كَمَا لَمْ تَفُوتُوا الْأَجَالَ». (هاشمی خویی، ۱۴۰۰:  
 ۱۶۳/۶).

پرهیز از تلاش افراطی در کسب رزق الهی از دعاهای اهل بیت علیهم السلام هم قابل برداشت  
 است و دیدگاه برخی از شارحان را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، از برخی دعاهای  
 صحیفه سجادیه معلوم می‌شود که خداوند برای هر نفسی، رزق مقسومی قرار داده است.  
 این رزق، همیشه ثابت است و هیچ‌کس غیر از خدا نمی‌تواند در آن تصرف کند، از آن  
 بکاهد یا بر آن بیفزاید (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۲۸). با تتبع در خانواده حدیث «لا  
 تموتُ نفسٌ حتی تستكمل رزقها»، می‌توان به روایات دیگری هم دست یافت که به نهی  
 از دنیاطلبی و کسب روزی از راه حرام پرداخته، مسلمانان را به صبر و رعایت تقوای الهی



فراخوانده‌اند.

برخی از روایات موجود در این مجموعه حدیثی، همه نکات نامبرده را یادآور شده‌اند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۸۷/۳ و ۱۸۸، ح ۱۶۲۱/۲ و ۵۴۶/۹ و ۵۴۷، ح ۸۴۰۱/۱ و ۵۴۸/۹، ح ۸۴۰۱/۳ و ۵۵۴/۹ و ۵۵۵، ح ۸۴۱۰/۱۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۹۳ و ۲۹۴، ح ۱؛ صفار، ۱۴۰۴، ۴۵۳/۱؛ ابن ماجه، ۱۴۲۴: ۴۹۸، ح ۲۱۴۴، نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴/۲، ح ۲۱۳۴ و ۳۲۵/۵، ح ۲۰۹۳) و برخی دیگر به پاره‌ای از این مسائل پرداخته‌اند: (برقی، ۱۳۷۱: ۱۶/۱ و ۱۷، ح ۴۷؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۸/۹، ح ۸۴۰۱/۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۴۵۰/۲ و مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۳ و ۵۷۲).

بدون شک تقویت باورمندی به این تعالیم، راه‌گشای مؤثری در حرکت صحیح انسان برای کسب روزی کامل است. از این رو در برخی از آیات قرآن، در کنار بحث از تضمین رزق، به منظور پرهیز از حرص و مداوای آن، از احوال قیامت و پاداش‌های بهشت یاد شده است. آیات ۱۹ و ۲۰ سوره شوری: ﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ \* مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾، نمونه‌ای از این دست است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲/۳۱۹).

با این حال، در میان روایات نقل شده از معصومان عليهم السلام، مواردی هم هست که انسان را به تلاش برای کسب معاش دعوت می‌کند. به عنوان مثال، براساس روایتی از امام صادق عليه السلام، رسول خدا صلى الله عليه وآله عده‌ای از صحابه را که پس از نزول آیه: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (طلاق/۲)، مغازه‌های خود را بستند و با تصور اینکه خداوند روزی آن‌ها را تکفل فرموده، در مسجد به عبادت رو آوردند، از این عمل به شدت نهی فرموده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۹۲/۳، ح ۳۷۲۱). تأکید امام صادق عليه السلام هم بر عدم اجابت دعای فردی که برای طلب روزی از خانه بیرون نمی‌رود و برای به دست آوردن آن دعا می‌کند (حلی، ۱۴۰۷: ۹۱ و ۹۲)، گواه دیگری بر این مطلب است.

از اینجا می‌توان دریافت که وجود رزق مقدر و همت انسان برای کسب روزی منافاتی با هم ندارند. این همان چیزی است که در دیگر حدیث‌ها هم آمده است (کلینی، ۱۴۲۹:

۵۴۹/۹ و مفید، ۱۴۱۳: ۱/۳۰۳) و نشان می‌دهد که به منظور بهره‌مندی کامل از روزی تا قبل از مرگ، همان اندازه که مقدرات الهی مؤثرند، اراده‌آدمی و تلاش او نیز تأثیرگذار است. در این میان آنچه به انسان نیرو می‌دهد تا پر قدرت و امیدوار در مسیر طلب روزی گام بردارد و از حد اعتدال خارج نشود، حسن ظن به پروردگار و اعتماد به پشتیبانی اوست.

### نتیجه

شناخت آموزه استكمال رزق مسئله اصلی این پژوهش بود که با تبیین مؤلفه‌های بنیادین آن، نتایج زیر حاصل شد:

دامنه بهره‌مندی از روایت «لا تموتُ نفسٌ حتى تستكملَ رزقها» گسترده است و نه تنها شارحان حدیث که عالمان دیگر نیز در حوزه‌های گوناگون از آن استفاده کرده‌اند. هرچند رویکردهای رایج شارحان حدیث، از ضعف در تبیین این روایت و آموزه استكمال رزق حکایت می‌کنند، اما همگی بر این اصل متفقند که اعطای روزی به عنوان یکی از قانون‌ها و سنت‌های الهی در نظام آفرینش به شمار می‌آید. آغاز شدن روایت با لفظ «ألا» در عبارت «أَلَا إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي...» نیز، نمایانگر اهمیت خاص موضوع حدیث و توجه دادن انسان به هشدارهای لازم در این باره است. با تفحص در آیات قرآن، تشکیل خانواده حدیث و بهره‌مندی از قواعد دانش فقه الحدیث می‌توان به تبیین آموزه استكمال رزق پرداخت. این آموزه معرفتی شامل مؤلفه‌هایی است که تحت عناوینی چون شرط‌های مبنایی استكمال رزق، گستره آن و ارتباط این آموزه با تقوا و تلاش انسان قابل طبقه‌بندی است.

اساسی‌ترین شرط‌های دریافت روزی به نحو کامل در دوران حیات، رزاقیت پروردگار، تقدیر الهی و به کار گرفتن صحیح اختیاری است که به آدمی واگذار شده است. بر این اساس و با توجه به دامنه رزق الهی و امکان قبض و بسط آن، ثابت می‌شود که رزق یادشده در حدیث، جزئی از مقدرات الهی است و هر فرد سهم مشخصی از آن دارد. پس در صورت احراز شرایط، تا قبل از فرارسیدن مرگ به حد اتم و اکمل در اختیار او قرار

می‌گیرد. البته آنچه به عنوان رزق الهی در بحث استکمال رزق مطرح می‌شود، ربطی به موارد حرام که از راه نامشروع به دست می‌آید، ندارد.

اعتقاد به تقدیر روزی مانع از تلاش افراطی انسان در طلب آن می‌شود، اما این بدان معنا نیست که چون مقدار کامل روزی هر موجودی تا پایان عمر تعیین شده، منافاتی بین تلاش انسان با مقدرات الهی وجود دارد. لازمه درک این مطلب، پرهیز از فزون خواهی و رعایت اعتدال در کسب روزی، تقوا و توکل بر خداوند است. انسان با تقوا ضمن اعتقاد به تضمین روزی کامل خود و اعتماد به پشتیبانی خدا، با میانه روی و اطاعت از پروردگار زمینه رسیدن به روزی‌های مقدّر دنیوی و روزی‌های بی حساب اخروی را فراهم می‌کند.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، محقق / مصحح: طناحی، محمود محمد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۴. \_\_\_\_\_، آمالی، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۲۴ ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: میردامادی، جمال الدین، دارالفکر / دارصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. (منسوب به) اسکافی، محمد بن همام، التمهیص، مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۱۱. \_\_\_\_\_، **تکامل و طهارت روح**، مترجم، محقق / مصحح: صالحی، عبد الله، نورالسجاد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. الشریف المرتضی، **الذخيرة في علم الکلام**، محقق: حسینی، سید احمد، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. برقی، احمد بن محمد، **المحاسن**، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، دارالکتب الإسلامية، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، **الجامع الصحيح وهو سنن ترمذی**، محقق: شاکر، احمد محمد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۱۵. ثقفی تهرانی، محمد، **تفسیر روان جاوید**، انتشارات برهان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۸ ق.
۱۶. الجوهری، اسماعیل، **الصاحح**، تحقیق: احمد عبدالغفور العطار، دارالعلم، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. جیلانی، رفیع الدین محمد بن محمد مؤمن، **الذريعة إلى حافظ الشريعة** (شرح أصول الکافی جیلانی)، محقق / مصحح: درایتی، محمد حسین، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق / ۱۳۸۷ ش.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. \_\_\_\_\_، **الفصول المهمة في أصول الأئمة** (تکملة الوسائل)، محقق / مصحح: القائینی، محمد بن محمد حسین، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش.
۲۰. حسن زاده آملی، حسن، **عیون مسائل النفس - شرح العیون فی شرح العیون**، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. حلّی، ابن فهد؛ **عدة الداعی ونجاح الساعی**، محقق / مصحح: احمد موحدی قمی، دارالکتب الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، محقق / مصحح: صفوان عدنان داوودی، دار القلم - الدار الشامیه، بیروت - دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. زبیدی، سید مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، محقق / مصحح: علی هلالی و علی سیری، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. ساروخانی، باقر، **درآمدی بردابیره المعارف علوم اجتماعی**، کیهان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. سبزواری، **شرح الأسماء الحسنی**، محقق: نجف قلی حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. شبّر، سید عبدالله، **حقّ اليقین فی معرفة أصول الدین**، أنوار الهدی، قم، چاپ دوم،

- ۱۴۲۴ق.
۲۸. شریف الرضی، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، محسن بن عباسعلی کوجه باغی، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۳. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، محقق: خراسان، حسن الموسوی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۴. عده ای از علما، الأصول الستة عشر، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ق / ۱۳۸۱ش.
۳۵. عسکری، مرتضی و کرمی، محمد جواد، عقاید اسلام در قرآن، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۳۶. علی بن الحسین (سجاد علیه السلام)، الصحیفة السجادية، دفتر نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۳۷. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سیدهاشم، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴۰. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۴۱. قزوینی، ملا خلیل بن غازی، صافی در شرح کافی، محقق / صحیح: درایتی، محمد حسین واحمدی جلفایی، حمید، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۴۲. \_\_\_\_\_، الکافی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۴۳. مازندرانی، مولی صالح، شرح أصول الکافی لمولی صالح المازندرانی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۵. \_\_\_\_\_، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۶. محمدی گیلانی، تکملة شوارق الإلهام، مكتبة الأعلام الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴۷. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۴۸. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، سمت، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۴۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

- تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۵۰. مفید، محمد بن محمد، **المقنعه**، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۱. ملاحویش آل غازی، سید عبدالقادر، **بیان المعانی**، مطبعة الترقی، دمشق، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق.
۵۲. **مصباح الشریعه**، منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، أعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۵۳. نوربخش گلپایگانی، سیدمرتضی، **واژگان علوم اجتماعی**، انتشارات بهینه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵۴. نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۵۵. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، تحقیق: یارسدن جوس، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۱ ش.
۵۶. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورام (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر)**، مكتبة فقیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵۷. هاشمی خویی، میرزاحبیب الله، **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوئی)**، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمدباقر، محقق / مصحح: میانجی، ابراهیم، مكتبة الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.

### سایر منابع مورد مطالعه

۱. باقری، مصباح الهدی، مهدی سپهری و سعید مسعودی پور، «تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی **مدیریت اسلامی**، شماره ۲، سال ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲. بروجردی، حسین، **جامع احادیث الشیعه**، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۳. جمعی از نویسندگان، **تعالیم قرآن**، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۴. رحمانی، غلامرضا، **خودشناسی فلسفی**، بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۵. عبداللهی، مهدی، **کمال نهایی انسان و راه تحصیل آن از دیدگاه فیلسوفان اسلامی**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۶. مجلسی، محمدتقی، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه**، محقق / مصحح: حسین موسوی کرمانی، و علی پناه اشتهاردی، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۷. نسفی، عزیزالدین، **مجموعه رسائل**؛ مشهور به کتاب **الانسان الكامل**، تصحیح: ماریژان موله، زبان و فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۲ ش.